



Examining and criticising the view of ibn taymiyyah on the concept of «batn» and «ta'wil» in the qur'an

Muhammad Taghi Diari Bidgoli¹

Marziyeh Ghanbari²

Abstract

The deep layers of the meaning (*Batn*) and interpretation (*Ta'wil*) of the verses of the Qur'an is one of the subjects that scholars and researchers of the Qur'an have been interested to, and it has devoted to itself a large number of narrations under the relevant verses. *Batn* and *Ta'wil* of the Qur'an has led to the application of a large part of the narrations on the imams, their companions and enemies, which has caused criticism from some opponents. Ibn Taimiyyah (728 AD), as an influential scholar of the Salafism, one of the critics of the theory of *Batn* and *Ta'wil*, has rejected Shia interpretations in this regard. He considers a narration from the Prophet (PBUH) that implies the existence of the *Zahir* (exterior meaning) and *Batin* (interior meaning) of the Qur'an to be a fabricated narration by the Shiites, which was not narrated by any reliable narrator in the hadith collections, but rather it is a *Hadith Mursal* (from unknown source). Thus, in order to answer this doubt, the present research has proved through the correct meaning of *Batn* and *Ta'wil* from the perspective of the verses and has analyzed the narrations indicating the batn and taweel of the Qur'an from the perspective of the hadiths.

Accordingly, in response to this doubt, the present study, in a descriptive-analytical method, has explained the correct concept of *Batn* and *Ta'wil*, proving their existence from the perspective of the verses, as well as analyzing the traditions of *Batn* and *Ta'wil* from the perspective of the Two Sects (Shiit and Sunni). The findings of the study indicate that the narrations in the books of the Two Sects (*Fariqain*) have proven the existence of deep layers for the verses of the Qur'an, the difference of attitude in explaining the nature of the *Batn* and *Ta'wil* has caused differences of views. In fact, the terms *Zahir* and *Batin*, as well as *Tanzil* and *Tawil* have their roots in the traditions that are expressed in the narrative texts of *Fariqain* and in the Shia traditions, was the focus of the Infallible Imams (AS) and expresses the eternity and comprehensiveness of the Qur'an. Many narrations about the interpretation of the Qur'an from Shias and Sunnis indicate that the Qur'an has an exterior and an interior meaning, the exterior of the Qur'an is understandable to anyone who is familiar with the Arabic language, and the interior of the Qur'an needs a deep understanding of its teachings, which has levels of understanding and different layers that require attention to the depth of knowledge and cannot be achieved by everyone, and a new meaning can be achieved according to each time.

Key words: Ibn Taymiyyah, Ta'wilat of the Qur'an, Fabrication of Hadith, Narrations of Al-Fariqain (Two Sects of Shiit and Sunni), Theory of Butoun (meaning layers).

¹ Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Qom University, Iran | Mt_Diari@Yahoo.Com.

² PhD candidate in comparative interpretation of Qom University, Iran (corresponding author). Marziyeh. | Ghanbari2020@Gmail.Com.



بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیة پیرامون بطن و تأویل قرآن

محمدتقی دیاری بیدگلی^۱

مرضیه قنبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

چکیده

بطن و تأویل آیات قرآن، از مباهات مورد توجه قرآن پژوهان و متکلمان بوده و حجم بسیاری از روایات ذیل آیات را به خود اختصاص داده است. بطن و تأویل قرآن موجب تطبیق بخش عمده‌ای از روایات بر امامان، دوستان و دشمنان آن‌ها شده که این مطلب موجب انتقاداتی از سوی برخی مخالفان شده است. ابن تیمیة (م ۷۲۸ ق) دانشمند اثرگذار مذهب سلفیه، از منتقدان نظریه بطن و تأویل، تأویلات شیعیان را مردود دانسته است. وی روایتی از پیامبر اکرم (ص) که دلالت بر وجود ظهر و بطن برای قرآن دارد، روایتی مجعول از سوی شیعیان می‌داند که هیچ‌راوی مورد اعتمادی در جوامع روایی آن را نقل نکرده است، بلکه سند روایت مرسل است. بر این اساس پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این شبهه، با روش توصیفی-تحلیلی با تبیین مفهوم صحیح بطن و تأویل، به اثبات بطن و تأویل از دیدگاه آیات پرداخته و روایات دال بر بطن و تأویل قرآن را از دیدگاه فریقین تحلیل نموده است. یافته‌های پژوهش حاصل از این است که تصریح روایات وارده در کتب فریقین، وجود لایه‌های باطنی برای آیات قرآن را به اثبات رسانده، تفاوت نگرش در تبیین ماهیت بطن و تأویل موجب اختلاف دیدگاه‌ها شده است. در حقیقت اصطلاح ظاهر و باطن، تنزیل و تأویل ریشه در روایات دارد که در متون روایی فریقین بیان شده و در روایات شیعه مورد توجه معصومان (ع) بوده و بیانگر جاودانگی و جامعیت قرآن است. روایات بسیاری در مورد تأویل قرآن از شیعه و اهل سنت حاکی از این است که قرآن دارای ظاهر و باطن است، ظاهر قرآن برای هر کسی که با زبان عربی آشنایی دارد، قابل فهم است و باطن قرآن، فهم عمیق معارف آن است که دارای مراتب فهم و لایه‌های متفاوتی است که نیاز به توجه به عمق معارف دارد و برای هر کسی قابل دست‌یابی نیست و متناسب با هر زمانی می‌توان به معنای جدیدی دست یافت.

واژه‌های کلیدی: ابن تیمیة، تأویلات قرآن، جعل حدیث، روایات فریقین، نظریه بطن.

^۱ استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم؛ ایران | Mt_Diani@Yahoo.Com

^۲ دانش‌آموخته دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول) | Marziyeh.Ghanbari2020@Gmail.Com

مقدمه

بطن و تأویل آیات قرآن، از موضوعات مهم و اساسی در حوزه قرآن‌پژوهی است و قرآن کریم نیز به تأویل‌پذیری آیاتش تصریح نموده و آن را در فهم مراد الهی ضروری دانسته است. آیات دال بر تفکر (نحل/۴۴)، تدبیر (نساء/۸۲؛ محمد/۲۴) و تعقل (یوسف/۲؛ انبیاء/۱۰) انسان‌ها در قرآن، حاکی از وجود لایه‌های معانی نهفته در آیات قرآن و نشانه جهان‌شمولی آن است. در عصر نزول قرآن، به دلیل این‌که پیامبر اکرم (ص) در مواردی متناسب با فهم مردم عصر نزول، معانی باطنی را برای عده‌ای صحابه متناسب با فهم و درک آن‌ها بیان می‌کردند، مشکلی در باب تأویل قرآن بروز نمی‌کرد. به تدریج با گذشت زمان، توجه به بطون قرآن و تطبیق معانی آیات بر غیر مورد نزولشان گسترش یافت و هر فرقه‌ای برای اثبات صحت عقاید خود به قرآن تمسک می‌نمود و چنان‌چه آیاتی با مبانی فکری آن‌ها در تعارض بود، به تأویل آن می‌پرداخت و این امر منجر به اختلاف رأی در باب فهم و تأویل قرآن شد. ابن تیمیه، از جمله علمای حنبله و اثرگذار مذهب کلامی سلفیه در قرن هفتم هجری، دیدگاهش برگرفته از آرای احمد بن حنبل است. وی مانند سلف، در آیات و روایات به ظاهرگرایی روی آورده و قائل است کسی از صحابه، آیات قرآن را بر غیر معنای ظاهرش تأویل نکرده است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۱۸)، به عنوان نمونه قائل است همه صحابه و تابعین اتفاق نظر دارند که خداوند در آخرت دیده می‌شود (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۲۵) و با استناد به آیات متشابه چون: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه/۵) و آیاتی دیگر (آل عمران/۵۵) قائل به جسمانیت خداوند متعال است و جلوس خداوند بر عرش و فراز آسمان‌ها را صحیح و حقیقی می‌داند (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵: ۵۱۹). بر این اساس از منتقدان نظریه بطن و تأویل به‌شمار می‌رود که تأویلات شیعیان را مردود دانسته، روایات بطن و تأویل را توجیه نموده و قائل است روایت پیامبر اکرم (ص) مبنی بر این‌که «قرآن دارای ظهر و بطن و حد و مطلع است»، مجعول از سوی شیعیان است که از هیچ راوی مورد وثوقی در جوامع روایی روایت نشده و تنها موقوفه یا مرسله حسن بصری است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳: ۲۳۲). انتقادات ابن تیمیه ناشی از اختلاف نگرش وی با دیدگاه شیعه در معنای تأویل است؛ ابن تیمیه، تأویل را حقیقت عینی و خارجی شیء دانسته در حالی که تأویل، از نظر

مفسران شیعه به معنای لایه‌های درونی و معانی باطنی آیات قرآن بوده که قابل انطباق بر جریانات مشابه است (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۴۹۸؛ بروجردی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۴۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱: ۴۴؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۴۱-۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۴۴). این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش است که دیدگاه ابن تیمیه در مورد بطن و تأویل آیات قرآن چیست؟ و چگونه می‌توان به ادعای ابن تیمیه بر نفی روایات بطن و تأویل قرآن پاسخ داد؟

پیشینه

بطن و تأویل آیات، از زمان نزول قرآن مورد توجه پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) بوده است. در قرن‌های بعد نویسندگان در کتاب‌های تفسیری با رویکرد روایی، به روایات بطن اشاره نموده‌اند؛ مانند «تفسیر قمی» علی بن ابراهیم قمی، «تفسیر فرات الکوفی» فرات بن ابراهیم فرات کوفی از مفسران شیعه سده سوم هجری، و «کتاب التفسیر» محمد بن مسعود عیاشی از مفسران شیعه سده چهارم هجری، روایاتی را دال بر اثبات بطن و تأویل قرآن بیان نمودند. این توجه در تفاسیر عرفانی بیشتر نمود داشته است؛ هم‌چنان که سهل بن عبدالله تستری از عرفای اهل سنت قرن سوم در «تفسیر التستری» به بطن قرآن توجه ویژه‌ای داشته و ابو عبدالرحمن سلمی از عرفای اهل سنت در قرن چهارم کتاب «حقایق التفسیر» خود را در همین راستا نگاشته است. در قرن پنجم ابوالقاسم قشیری در تفسیر «لطایف الإشارات» خویش بسیاری از اشارات و اسرار الهی را به کار برد. شاطبی در کتاب «الموافقات فی اصول الشریعه» در بخشی از کتابش به بطن قرآن پرداخت. زرکشی نیز در قرن هشتم در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» در فصلی جداگانه به این مبحث پرداخته و سیوطی از صاحب‌نظران بنام اهل سنت در قرن دهم در «الإتقان فی علوم القرآن» با استناد به روایات، وجود بطن در قرآن را اثبات نموده است.

اما امروزه کتاب‌های مختلفی در موضوع بطن و تأویل نگاشته شده است؛ از جمله کتاب‌های در این زمینه می‌توان به کتاب «التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء» نوشته محمد هادی معرفت اشاره نمود که در آن به بررسی مباحث مربوط به تأویل پرداخته و از

مواضع شیعه در زمینه تأویل با توجه به شبهات وارده دفاع نموده است. کتاب «پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن» نوشته سیدحیدر طباطبایی از دیگر کتاب‌هایی است که در آن به تحلیل مفهومی بطن و واژگان مرتبط و نیز دیدگاه فریقین پرداخته است. نویسنده در تألیف دیگری با عنوان «بطن قرآن از دیدگاه شیعه و اهل سنت» مباحثی در زمینه بطن و تأویل مطرح نموده است. کتاب «روش‌های تأویل قرآن» نوشته محمد کاظم شاکر از دیگر کتاب‌ها در حوزه بطن و تأویل است که در آن پس از بررسی واژه تأویل و نظر مفسران پیرامون این واژه، به معنانشناسی واژه تأویل و تفسیر، و ظاهر و باطن پرداخته است.

مقالات متعددی نیز در زمینه بطن و تأویل نگاشته شده است؛ از جمله؛ مقاله «تحلیل و بررسی تأویل از دیدگاه ابن تیمیه و علامه طباطبایی» نوشته علی‌الله‌بداشتی و محسن پیرهادی در فصلنامه قیسات، شماره ۸۹ (۱۳۹۷) که در آن به بررسی دیدگاه ابن تیمیه و علامه طباطبایی در مورد محکومات و متشابهات قرآن، و علم به تأویل آیات متشابه پرداخته شده است. مقاله «نقدی بر تأویل ستیزی ابن تیمیه» نوشته محمدحسن محمدی مظفر در پژوهشنامه مذاهب اسلامی (۱۳۹۴)، به تبیین و نقد دیدگاه ابن تیمیه در خصوص عدم تأویل صفات خبری خداوند پرداخته است. مقاله «بررسی و نقد مبانی و اصول فکری ابن تیمیه در تفسیر قرآن» نوشته علی‌احمد ناصح در فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی دانشگاه قم (۱۳۹۲)، در مورد مهم‌ترین اصول تفسیری ابن تیمیه است که به منع تأویل قرآن به عنوان یکی از اصول مورد قبول ابن تیمیه پرداخته و به آیات مرتبط با صفات الهی به عنوان شاهد مثال اشاره نموده است. با توجه به این که عمده پژوهش‌های انجام‌شده بر دیدگاه کلی ابن تیمیه پیرامون بطن و تأویل نگاشته شده است و طبق رویکرد ظاهرگرایی وی در آیات متشابه بحث شده است با پژوهش حاضر متفاوت است. پژوهش حاضر از این حیث که محوریت بحث در آن بر ادعای ابن تیمیه مبنی بر نفی روایات بطن و تأویل از راویان مورد وثوق است، به پاسخگویی و نقد شبهات ابن تیمیه به تأویلات شیعه پرداخته است و در این راستا اثبات بطن و تأویل قرآن، روایات بطن و تأویل از دیدگاه فریقین را بررسی نموده و با تبیین دیدگاه فریقین به این ادعا پاسخ داده است، از این رو پژوهش جدیدی است که درخور توجه است.

مفهوم شناسی بطن و تأویل

لغت شناسان، «بطن» را خلاف ظاهر دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۷: ۴۴۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳: ۵۲؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۵۲؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶: ۲۱۴)، «بطن»، از نظر راغب ضد ظاهر است که با حس قابل درک نیست و به هر امر مخفی و غامضی «بطن» گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۳۰).

«تأویل»، از ماده «أول» به معنای رجوع و بازگشت دادن چیزی به اصل و ریشه آن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۸: ۳۶۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۹۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۳۲؛ ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۵: ۳۳۰). راغب، آن را بازگشت دادن چیزی به آن هدف و غایتی دانسته که اراده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۹۹). ابن منظور، علاوه بر معنای بازگشت و رجوع، به معنای جمع و اصلاح آورده که احتمال دارد اشاره به نتیجه و اثر تأویل باشد که در شئون مختلف موجب رفع اشکال و اصلاح امور می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۳۲-۳۴). طریحی، به معنای ارجاع کلام و بازگرداندنش از معنای ظاهری به معنای غیرظاهری و پنهان دانسته است (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵: ۳۱۲). «بطن»، طبق دیدگاه لغت شناسان به معنای امر مخفی و پنهان، و «تأویل» به معنای مرجع و بازگشت به اصل به کار رفته است.

بطن و تأویل از دیدگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه از بزرگان مذهب سلفیه، «تأویل» در قرآن را به معنای «مایؤول الیه الکلام» و تحقق خارجی و عینیت یافته کلام در خارج دانسته است که هرگز به معنای برگرداندن لفظ از معنای ظاهر آن به سوی معنای غیر ظاهرش نیست و گذشتگان از صحابه هرگز تأویل را در این معنا به کار نبرده‌اند و در قرآن نیز به این معنا به کار نرفته است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷: ۳۷۴). ابن تیمیه قائل است هر شی دارای چهار مرتبه از وجود است: وجود خارجی، ذهنی، لفظی، بیانی (کتبی) و اگر متکلم معنای کلامی را دانست و آن را در ذهن تصور کرد و سپس آن معنای تصور شده را به زبان آورد، این با وجود خارجی شیء تفاوت دارد و چنین نیست که هر کس معنای اول (وجود ذهنی) یکشی را شناخت، ناگزیر به وجود خارجی آن هم علم پیدا کند. این گروه برای تبیین نظر خود دو مثال ذکر نمودند: ۱. اهل کتاب درباره صفات پیامبر اکرم (ص)، زمان ظهور و ویژگی‌های مخصوص او کاملاً آگاهی دارند؛ زیرا این مطلب در کتب

دینی آن‌ها ذکر شده است. فهم این صفات و درک معانی و مطالب آن‌ها، تفسیر سخن است، اما تأویل این کلام، وجود خارجی پیامبر اکرم (ص) است که مبعوث شده است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۷: ۴۲۶-۴۲۷). ابن تیمیه قائل است که مراد از تأویل مفاهیم قرآن از قبیل وعد و وعید همین است، گرچه ندانیم تأویل در آیه: «هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله» (اعراف/۵۳) چه وقت اتفاق خواهد افتاد و تحقق خارجی خواهد یافت (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۷: ۴۲۷). ۲. وقتی گفته می‌شود: «طلعت الشمس»، تأویل آن همان طلوع خورشید است که در افق آسمان دیده می‌شود (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳: ۲۸۹). ابن تیمیه، کلام الهی را به دو بخش قابل تقسیم می‌داند: کلام انشایی و اخباری. مراد از کلام انشایی را فرمان‌هایی دانسته که در قرآن آمده است؛ مانند امر و نهی... اما کلام اخباری مانند آیاتی است که از اسماء و صفات الهی، داستان انبیا و امت‌های آن‌ها، بهشت و دوزخ و ثواب و عقاب و... خبر داده است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۷: ۲۰۷). ابن تیمیه، سه اصطلاح برای تأویل بیان نموده است؛ یک اصطلاح از متأخران و دو اصطلاح از پیشینیان. تأویل در اصطلاح متأخران: برگرداندن لفظ از یک معنای راجح (ظاهر) به معنای مرجوح به خاطر وجود دلیل و قرینه است (یعنی معنای خلاف ظاهر لفظ)، که ابن تیمیه این برداشت از تأویل را مردود دانسته (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۷: ۴۷۳ و ج ۵: ۴۳۹)؛ هم‌چنان که علامه طباطبایی نیز به مردود بودن این برداشت از تأویل اشاره نموده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۳۸).

در باور ابن تیمیه، هر جا تأویل درباره قرآن به کار رفته، ناظر به همان معنای حقیقت خارجی محسوس و قابل مشاهده است و در تأیید نظر خویش به معنای تأویل نزد متقدمان اشاره نموده است که در دو معنا به کار رفته است و در تأیید نظر خویش به معنای تأویل نزد متقدمان اشاره نموده است که در دو معنا به کار رفته است: ۱. تأویل به معنای تفسیر و بیان معنای کلام؛ چه موافق ظاهر آن باشد چه مخالف. ۲. تأویل، همان چیزی است که از کلام قصد شده است؛ یعنی همان حقیقت موجود در خارج. از نظر ابن تیمیه، مراد از تأویل قرآن، همین معنای دوم است که موافق نظر اوست. (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵: ۳۴۹). اگر کلام «طلب» باشد، همان فعلی که طلب‌شده، تأویل آن کلام است و اگر «خبر» باشد، تأویل آن چیزی است که به آن خبر داده شده است؛ اعم از این که در گذشته تحقق خارجی یافته یا

در آینده تحقق یابد (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳: ۲۸۹). ابن تیمیه شیعه را به دلیل این که ظواهر آیات صفات الهی را نمی‌پذیرند و تأویل می‌کنند، اهل تحریف و تأویل دانسته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۵ ق، ج ۱: ۳۳-۳۵) و روایت پیامبر اکرم (ص) مبنی بر این که «قرآن دارای ظهر و بطن و حد و مطلع است»، مجعول از سوی شیعیان است که از هیچ راوی مورد وثوقی در جوامع روایی روایت نشده و تنها موقوفه یا مرسله حسن بصری است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳: ۲۳۲). ابن تیمیه در رد کتاب منهاج الکرامه از علامه حلی، رؤیت حسسی خداوند متعال را بنا بر اجماع دانسته ابن تیمیه، موجود قائم به نفس، غیرقابل اشاره حسسی و غیرقابل رؤیت را دارای وجود خارجی نمی‌داند؛ بلکه ساخته ذهن می‌داند (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۳۳۱-۳۳۲) و قائل است کسی از صحابه، آیات قرآن را بر غیر معنای ظاهرش تأویل نکرده (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۱۸) و همه صحابه و تابعین اتفاق نظر دارند که خداوند در آخرت دیده می‌شود (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۲۵).

تبیین شبهات ابن تیمیه

۱. انحصار معنای تأویل در حقیقت عینی و خارجی

ابن تیمیه، «تأویل» در قرآن را به معنای تحقق خارجی و عینی کلام در خارج دانسته است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۷: ۳۷۴) و قائل است هر جا تأویل درباره قرآن به کار رفته، ناظر به همان معنای حقیقت خارجی محسوس و قابل مشاهده است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۵: ۳۴۹).

نقد و بررسی

در بعضی آیات، تأویل به معنای وجود خارجی به کار نرفته است؛ مثلاً در آیه: «وَ دَخَلَ مَعَهُ النَّسْرَجَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُجْلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبْتُهَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۳۶) همراهان حضرت یوسف (ع) قبل از وقوع حادثه، تأویل خواب را خواسته بودند. هم‌چنین اگر «تأویل» وجود عینی و خارجی باشد، حضرت موسی (ع) با دیدن اعمال خضر که به طور عینی در خارج به وقوع پیوست، باید به تأویل آن دست می‌یافت و اعتراضی نمی‌کرد؛ درحالی که طبق آیه: «قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف/۷۸) مراد از «تأویل»، نتیجه و

عاقبت افعالی است که از خضر نبی (ع) صادر شده است (مراغی، بی تا، ج ۱۶: ۵؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۵: ۱۸۸)؛ بدین صورت که نتیجه سوراخ نمودن کشتی، کشتن کودک، و بازسازی دیوار یتیمان، عبارت است از رهایی کشتی از دست دشمن، رهایی پدر از شر فرزند بد و استخراج گنج توسط یتیمان (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ ق، ج ۳: ۲۹۵؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۵: ۲۸۳؛ قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۷: ۵۱؛ مراغی، بی تا، ج ۱۶: ۵)؛ بنابراین علت و سبب یک عمل، تأویل آن است. حضرت موسی (ع)، به هر سه عمل خضر نبی، که علت آن‌ها را نمی دانست، اعتراض نمود. خضر نبی (ع) پس از بیان علل کارهای خود، فرمود: «ذَلِكْ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِيعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف/۸۲)؛ بنابراین، این وقایع سبب حقیقی آن امور بوده؛ نه آن چه که موسی از ظاهر آن قضایا فهمیده بود.

طبق روایت امام باقر (ع): «إِنَّ الْقُرْآنَ حَى لَا يَمُوتُ وَ الْآيَةُ حَيَّةٌ لَا تَمُوتُ فَلَوْ كَانَتْ الْآيَةُ إِذَا تَزَلَّتْ فِي الْأَقْوَامِ مَاتُوا مَاتَتِ الْآيَةُ لَمَاتَ الْقُرْآنُ وَ لَكُنْ هِيَ سَجَارِيَةٌ فِي الْبَاقِيْنَ كَمَا جَرَتْ فِي الْمَاضِيْنَ» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲: ۲۰۳)؛ ظاهر قرآن شامل کسانی می شود که آیات در مورد آن‌ها نازل شده است و باطن قرآن شامل کسانی است که رفتاری مانند رفتار آنان دارند. عبدالله بن سنان از ذریح مُحَارِبِي ذیل آیه ۲۹ سوره حجر روایت کرده که به امام صادق (ع) گفت: خداوند ذیل این آیه دستوری داده که می خواهم به آن عمل کنم، حضرت (ع) در معنای «تَمَّ لِيَقْضُوا تَقَاتِمَهُمْ» فرمودند: مراد ملاقات کردن امام بعد از حج (و پاک نمودن باطن از جهل و نفاق) است، پس از چندی امام (ع) در معنای آیه به عبدالله بن سنان، مراد از آن را کوتاه کردن ناخن و گرفتن شارب‌ها بیان کردند. امام (ع) در پاسخ علت اختلاف در دو معنا فرمودند برای قرآن ظاهر و باطنی است و معنایی که ذریح گفته، آن باطن آیه است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۴۸۴). در این روایت در کنار اثبات ظاهر و باطن برای قرآن، به مصداقی از باطن آیه نیز اشاره شده است. گروهی از شرق شناسان گفتگوی متوکل عباسی با ابن راوندی (از ملحدین) درباره معاد را نشانه شایع بودن نظریه بطون قرآن در قرن سوم و چهارم هجری؛ یعنی دوران پس از تابعین دانسته‌اند. در این گفتگو ابن راوندی بر آن است که پی بردن به راز مرگ ناممکن است و در آیات مربوط به معاد در قرآن، مطلبی دال بر راز

مرگ یافت نمی‌شود؛ اما متوکل عباسی با مراجعه به قرآن کریم می‌گوید که با تأمل در قرآن می‌توان به راز مرگ پی برد، نه با خواندن آیات و توجه به ظاهر آن (منصوری، ۱۳۸۴: ۱۶۵).

علامه طباطبایی قائل است که «تأویل» در قرآن، عبارت است از واقعیت‌هایی که بیانات قرآن، حاکی از آنهاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۴۹). علامه طباطبایی در رابطه با نظر ابن تیمیه در مورد «تأویل»، قائل است که اصل نظریه او مبنی بر این است که تأویل حقیقی عینی و خارجی است که در تمام آیات قرآن جاری است و از قبیل الفاظ و معانی نیست، قابل پذیرش است؛ اما اشکالاتی بر آن وارد است؛ از جمله این که درست نیست که تأویل را فقط عین خارجی محض بدانیم و هر یک از اخبار گذشته و آینده مصادیق تأویل باشند. بلکه تأویل حقیقی خارجی نسبت به تمامی آیات قرآن بوده که بیانات قرآن اعم از احکام و مواظ و حکمت‌ها بدان مستند است. کاربرد تأویل در قرآن، منحصر به نظریه ابن تیمیه نیست، بلکه در قرآن و روایات، هم به مفاهیم، هم به مصادیق آیات قرآن و هم به حکمت‌ها و مصالحی که سبب نزول احکام و شرایع و معارف شده، همگی تأویل اطلاق شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۴۹). اگر «تأویل»، عین خارجی محسوس باشد، بسیاری از معارف قرآنی از قبیل مفاهیم، امور اعتباری هستند که در خارج واقعیت محسوس ندارند؛ مانند «طلاق» که در خارج ماهیتی ندارد و قابل مشاهده نیست و جدایی بین زن و شوهر از آثار و لوازم طلاق است. یا لفظ «طهارت» در خارج عین محسوس ندارد و آنچه در خارج وجود دارد، وضو و غسل است، در نتیجه لازم می‌آید بسیاری از معارف قرآنی کنار زده شود؛ زیرا تأویل بدین معنا در آن‌ها راه ندارد. هم‌چنین اگر مراد از «تأویل» اعیان خارجی محسوس باشد، تأویل در احکام انشایی مانند امر، نهی، ترجیح و ... قابل تصور نیست، گرچه «ابن تیمیه» درباره طلب بیان کرده که کلام اگر طلب باشد، تأویل آن، خود فعل طلب شده است. با این حال، انشاء در طلب خلاصه نمی‌شود، مثلاً در نهی، فعلی طلب نشده تا تأویل «نفس الفعل المطلوب» باشد؛ بلکه ترک فعل، طلب شده است، یا در ترجیح و تمنی، فعلی در خارج نیست؛ بنابراین تأویل، امری ورای حقیقت خارجی شیئی است که گاه می‌تواند قبل از وقوع شیئی و تحقق خارجی آن رخ

۲. عدم تأویل آیات قرآن بر غیر معنای ظاهرش

ابن تیمیه قائل است کسی از صحابه، آیات قرآن را بر غیر معنای ظاهرش تأویل نکرده (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۱۸) و به اتفاق نظر صحابه و تابعین، مبنی بر رؤیت خداوند در آخرت اشاره می‌کند (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۲۵).

نقد و بررسی

برخی آیات قرآن (طه/۵؛ فجر/۲۲؛ فتح/۱۰) از صفات یا افعال خداوند سخن می‌گویند و خارج از سنخ زمان، مکان و ماده هستند که عقول انسان‌ها از درک آن عاجز است. پس اگر معنای «تأویل» در آن‌ها، حمل بر معنای ظاهرش شود، لازم می‌آید خداوند جسم و مرکب باشد؛ مانند: «فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا قِبَةً وَجْهَ اللَّهِ» (بقره/۱۱۵) که از متشابهات قرآن شمرده می‌شود (علوی مهر، ۱۳۸۴ ش: ۳۵-۳۶). بنابراین، کاربرد تأویل در قرآن، منحصر به نظر ابن تیمیه نیست. مراد از «تبیان» در آیه: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹) روشن‌کننده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۶۵) و عبارت «تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» در مورد پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) شامل نص، ظاهر، اشاره، لطائف و حقایق از بطون و تأویلات است و دیگران به اندازه فهم خود از آن بهره می‌برند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱۶: ۴۵۲). از آنجایی که قرآن، تبیان هر شیئی است، از طرفی نیز آیات قرآن محدود است و پاسخ‌گوی تمام نیازهای بشر نیست، باطن قرآن بیانگر پاسخ‌های مردم در زمان‌های دیگر است. این قبیل آیات که دلالت بر معانی فراتر از معنای ظاهری دارند، بیانگر معنای باطنی آیات در راستای مراد اصلی خداوند هستند که دلالت بر جهان‌شمولی قرآن دارند.

پیامبر اکرم (ص) در مواردی، معانی باطنی را برای برخی صحابه متناسب با فهم و درک آن‌ها بیان می‌کردند. امام علی (ع) از صحابه‌ای است که به تمام بطن و تأویل قرآن آگاه است؛ ابن مسعود در این باره می‌گوید علی بن ابی طالب بر تمام ظاهر و باطن قرآن آگاه است (قمی، ۱۴۰۴ ق، مقدمه ج ۱: ۲۰؛ بحرانی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱: ۴۷). برخی صحابه که علم به بطن و تأویل قرآن را فراگرفتند، به تبیین معانی باطنی قرآن در موارد نیاز می‌پرداختند. اهل سنت به مراتب صحابه در فهم و تفسیر آیات معترف بودند، به‌عنوان نمونه سیوطی با بیان چند حدیث از بخاری و دیگران، به برتری دانش ابن عباس (در نوجوانی و جوانی) نسبت به بزرگان از

اصحاب پیامبر اکرم (ص) پرداخته است (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۴۶۸-۴۶۹). مضمون روایت بدین شرح است: بخاری از ابن عباس نقل می‌کند که روزی عمر، ابن عباس را با خود به مجلس شیوخ برد که موجب اعتراض جمع شد. عمر جهت اثبات برتری ابن عباس، از جمع تفسیر سوره نصر را پرسید، آن‌ها براساس فهم عادی، امر خدا را به تحمید و استغفار، پس از مشاهده نصرت الهی تفسیر کردند. سپس ابن عباس گفت: این سوره بیانگر أجل رسول خدا (ص) است که اگر نصر و فتح خداوند آمد، علامت فرارسیدن أجل پیامبر اکرم (ص) است که باید با ستایش الهی خدا را تنزیه کند و طلب استغفار نماید. عمر این تفسیر ابن عباس را که امری فراتر از مدلول ظاهری بود، نشلنه برتری او از اقرانش شمرد (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۷: ۱۴). ذهبی، تفسیر ابن عباس را دلالت بر معنای باطنی قرآن می‌داند (ذهبی، بی تا، ج ۲: ۳۵۵). سیوطی، در مورد ابن عباس به دعای پیامبر اکرم (ص) در مورد او اشاره نمود که فرمودند: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التأویل» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ۳۳۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۴۶۷)، در تفاسیر اثری اهل سنت مانند تفسیر طبری و الدر المنثور در صد بالای از اقوال تفسیری به ابن عباس اختصاص دارد. عبدالله بن مسعود از دیگر صحابه‌ای است که به آموختن لفظ و معنای قرآن اهتمام ویژه داشت. طبری از قول ابن مسعود گفته است: هرگاه نزد رسول خدا (ص) ده آیه از قرآن را فرا می‌گرفتیم تا به تمام آنچه در آن [از علم و عمل] است پی نمی‌بردیم، به ده آیه بعدی نمی‌پرداختیم (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۲۹). فراگیری علم باطن قرآن و توجه به آن توسط برخی صحابه به تناسب فهم و درک آن‌ها، دال بر اهمیت بعد باطنی در عصر صحابه است.

دیدگاه ابن تیمیه در مورد بطن و تأویل قرآن با دیدگاه بسیاری از مفسران فریقین متفاوت است. تستری و زرکشی، «بطن» قرآن را فهم آن دانسته‌اند (تستری، ۱۴۲۳ ق: ۱۶؛ زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۲۹۰). سیوطی در معنای باطن و جوهی آورده است؛ از جمله «بطن» قرآن تأویل آن است و بنابر قول أبوعبید، «بطن» قرآن را پندی دانسته برای دیگر اقوام که مثل اعمال آن‌ها را مرتکب نشوند (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۴۵۹). آلوسی، «بطن» قرآن را روح الفاظ یعنی کلامی فراتر از حواس ابزار فهم دانسته که با جوهر روح قدسی فهمیده می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۸). فخر رازی، «تأویل» را روی گرداندن لفظ از معنای ظاهری

به معنای مرجوح می‌داند، مشروط بر آن که دلیلی بر آن اقامه شود که ظاهرش محال باشد (فخررازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۷: ۱۴۰). جرجانی، «تأویل» را در اصل به معنای ترجیح، و در شرع، بازگرداندن لفظ از معنای ظاهر به معنای محتمل دانسته، در صورتی که با کتاب و سنت منطبق باشد (جرجانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۲). زرکشی و سیوطی، بازگشت شیء به معنای محتمل دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۲۸۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۴۲۶). در تفاسیر دیگر اهل سنت نیز معنای برگرداندن شیء به اصل آن (حقی بروسوی، بی تا، ج ۵: ۲۸۳؛ طنطاوی، ۱۹۹۷ م، ج ۷: ۳۲۰) و حمل لفظ بر معنای مرجوح (نیشابوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۴۸؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۴۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ۹۲) آمده، مشروط بر آن که برگرداندن آیه به معنای محتمل موافق ماقبل و بعدش باشد و با کتاب و سنت مخالف نباشد (مظهری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۵۲)؛ اما از مفسران شیعه، شیخ طوسی در معنای «بطن» مانند سیوطی به نقل از ابو عبید مراد از «بطن» را، پندآموزی‌های آیندگان و نسل‌های بعدی دانسته است (طوسی، بی تا، ج ۱: ۹).

علامه طباطبایی، «بطن» را همان معنای نهفته درون معنای ظاهری دانسته؛ خواه یک معنا یا بیشتر، نزدیک یا دور باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۷۴). از نظر علامه، ظاهر و باطن آیات را نسبی و دارای مراتب مختلف طولی دانسته که مترتب و وابسته بر یکدیگر است و هر معنایی مخصوص به افق و مرتبه‌ای از فهم و درک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۶۴). معرفت، «بطن» را مفهوم عام و کلی آیات دانسته که پشت پرده الفاظ قرار دارد و به حسب نزول، خاص به نظر می‌رسد (معرفت، ۱۴۲۷ ق: ۱۰)، درحالی که سبب جاودانگی قرآن است. از «تأویل» به معنای انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه که در مورد خاص نازل شده است، گاهی به «بطن» تعبیر نموده؛ یعنی معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۱۹-۲۱)؛ اما طبرسی، «تأویل» را مرجع و بازگشت هر چیز به آن چه امر به آن بازمی‌گردد، دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۶۹۹). از نظر معرفت، واژه «تأویل» در چهار معنا به کار رفته است که عبارتند از توجیه مشابه، تعبیر خواب، سرانجام کار، انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه که در مورد خاص نازل شده است. ایشان قائل است از «تأویل» به معنای چهارم گاهی به «بطن» تعبیر می‌شود؛ یعنی معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید (معرفت، ۱۴۱۸

ق، ج ۱: ۱۹-۲۱). معرفت «تأویل» را مفهوم عامی دانسته که از مفاد آیه برداشت می‌شود و قابل انطباق بر جریانات مشابه است (معرفت، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۴۹۸).

۳. نفی روایات بطن و تأویل

با توجه به انتقاد ابن تیمیه به روایات بطن در جوامع روایی شیعه (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳، ص ۲۳۲) در راستای این شبهه، به بررسی و تحلیل روایات فریقین دال بر بطن و تأویل قرآن پرداخته شده است. اصطلاح باطن و تأویل ریشه در آیات و روایات دارد که بیانگر جاودانگی و جامعیت قرآن است.

نقد و بررسی

از دیدگاه قرآن کریم، مخاطب قرآن تمام انسان‌هاست؛ هم‌چنان‌که آیاتی از قرآن بر این مطلب تصریح نموده‌اند (بقره/۱۸۵؛ آل عمران/۱۳۸؛ جاثیه/۲۰) آیات دال بر تفکر و تعقل انسان‌ها در قرآن، حاکی از وجود لایه‌های معانی نهفته در آیات قرآن و نشانه جهان‌شمولی آن است، از جمله آیه: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد/۲۴) که تدبیر در آن به معنای تأمل در آیات و استنباط اسرار و حقائق از آن (نیشابوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۵: ۵۹۲)، تأمل در اسرار و حکمت‌ها و معانی قرآن (آل سعیدی، ۱۴۰۸ ق: ۸۵۶)، تفکر در آیات و عبرت‌گرفتن از آن‌ها (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۳۰۳)، تفسیر و تطبیق آیات بر یکدیگر با تفکر است. تدبیر در آیات موجب هماهنگی معانی و معارف آیات می‌شود و انسان می‌تواند به معانی اصیل و ناب آیات قرآن دست یابد؛ البته تدبیر در آیات قرآن در حقیقت تعقل همراه با فکر خالص و دلی پاک مراد است (آملی، ۱۴۲۲ ق: ۴۱). تدبیر با وقوف در معنای آیات امکان‌پذیر است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۳: ۲۵۹) و مختص به بعضی آیات و یا بعضی اقوام نیست (بروجردی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۷؛ شبیبانی، ۱۴۱۳ ق: ۲)، بلکه مربوط به همه افراد در همه اعصار است. در این آیه مراد این است که آن‌ها مقصود اصلی خدا را نمی‌یابند و در آن تفکر و تدبیر نمی‌کنند تا به نتیجه و مراد کلام الهی دست یابند و این مطلب علاوه بر تفسیر و فهم مراد الهی، بر تأویل و دست‌یابی بر لایه‌های معنایی قرآن نیز دلالت دارد. آیه: «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (زخرف: ۳) از دیگر آیاتی است که دلالت دارد بر این که قرآن به زبان عربی نازل شده است تا قوم عرب که مخاطب اولیه قرآن بودند، در آن تعقل نمایند تا به غور معانی

آن دست یابند و به آن عمل نمایند (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ ق: ۴۹۴؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۱: ۴۵۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۵: ۴۹)، و ظاهر و باطن آن را دریابند (تستری، ۱۴۲۳ ق: ۱۸). بنابراین تأکید بر تدبر و تفهم معانی در قرآن نموده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵: ۸۶؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ ق، ج ۷: ۲۰۰). عبارت «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» طبق تفاسیر دلالت بر توجه نمودن به معانی باطنی قرآن دارد. در بسیاری از تفاسیر مراد از آن، تفقه و تعقل نمودن در معانی باطنی آیات (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ ق، ج ۲: ۵۷۱؛ محلی و سیوطی، ۱۴۱۶ ق: ۲۳۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۴: ۲۸۶؛ نسفی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱: ۴۴۳)، و فهم امور دینی (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ ق، ج ۴: ۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۸: ۴۱۷)، و اسرار آن (نوی جوی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۳۱۷) بیان شده است. بنابراین با توجه به این که مخاطب آیات قرآن تمام انسان‌ها در هر مکان و زمانی است، نیازمند لایه‌های معانی نهفته در آیات قرآن است تا با جاودانگی و هدایت‌گری قرآن سازگار باشد.

بطن و تأویل قرآن هم‌زمان با نزول قرآن کریم مطرح بوده است؛ روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه رسیده‌اند، بیانگر اهمیت توجه به بعد باطنی قرآن است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لَيْسَ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» (هلالی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۷۷۱)؛ امام باقر (ع) در توضیح روایت چنین فرمودند: «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كَمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأَمْوَاتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ...» (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۹۶). طبق این روایت، ظهر قرآن تنزیلش است و بطن قرآن تأویلش و مراد از آن، مصادیق بعدی است که از باب جریان‌داشتن آیه بر مصداق‌های دیگر در زمان‌های بعد است. این روایت، بیانگر اهمیت تأویل است که دست‌یابی به علم آن را بالاترین نعمت‌ها دانسته است. پس از عصر صحابه به دو دلیل، نیاز به تفسیر قرآن بیش‌تر احساس می‌شد؛ ۱. مردم از عصر نزول فاصله‌ی بیش‌تری گرفته بودند و اکثر شاهدان وحی نیز از دنیا رفته بودند. ۲. به دلیل گسترش قلمرو اسلامی، مردم غیر عرب وارد دین اسلام شدند که بیش از دیگران در فهم قرآن دچار مشکل بودند. در این زمان، تابعین نقش قابل توجهی در پاسخ‌گویی به این نیاز داشتند و بیش از نصف اقوال تفسیری در مجموعه‌های تفسیر اثری اهل سنت به تابعین اختصاص دارد (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۲۶۷)، براساس سخن ابوالحسن

اشعری، اولین اختلاف در امت اسلامی، اختلاف در امامت بود (اشعری، ۱۴۰۰ ق: ۱-۲). این اختلاف زمینه اختلافات فرعی دیگری را ایجاد نمود و موجب تفاوت برداشت‌ها از تفسیر قرآن شد. در زمان تابعین توجه به بطون قرآن و تطبیق معانی آیات بر غیر مورد نزولشان گسترش یافت و آیاتی که دارای شأن نزول خاصی بودند، بر موارد مشابه تطبیق داده می‌شدند و این تطبیق برگرفته از روایات بود که نوعی تفسیر باطنی به‌شمار می‌رفت. بسیاری از روایات مؤید تأویل قرآن، در زمان امام‌باقر و امام‌صادق (ع) وارد شده که در زمان تابعین زندگی می‌کردند. در حدیثی از امام‌صادق (ع) چنین آمده است: «قَالَ إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَزْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللَّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ، فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۰۳). طبق این روایت، بخشی از محتوای قرآن برای عموم قابل فهم است و بخشی تنها برای اولیای دین. طبق این روایت، بطن قرآن وجود لایه‌های معنایی در آیات است که مخاطب براساس فهم و ظرفیت به آن دست می‌یابد.

روایات بطن و تأویل منقول از اهل سنت: ابن تیمیه تأویل شیعیان را مردود

دانسته و روایات بطن را جعلی دانسته (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳: ۲۳۲)، درحالی که این روایت از راویان مختلف نقل شده و در تفاسیر اهل سنت نیز به آن استناد شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۲۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱: ۶۹؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱: ۴۰؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۲۳). در کتب روایی و تفسیری اهل سنت احادیث ظاهر و باطن از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، از جمله: «محمّد بن حمید الرازی قال حدثنا جریر بن عبد الحمید عن مغیره عن واصل بن حیان عن ذکرة عن أبي الأخص عن عبد الله بن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أنزل القرآن على سبعة أحرف لكل حرف منها ظهر و بطن و لكل حرف حد و لكل حد مطلع» (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۹). طبق این روایت، قرآن بر هفت حرف نازل شده که برای هر حرف از آن ظهر و بطنی است. اگرچه سند این روایت به دلیل لفظ «عمن ذکرة» مرسل است، طبری این روایت را با دو سند از ابن مسعود نقل نموده است. ثعالبی مشابه این روایت را به نقل از ابن مسعود آورده است و حضرت علی (ع) را عالم به علم ظاهر و باطن معرفی نموده است: «و قال ابن مسعود: إنَّ القرآن أنزل على سبعة أحرف، ما منها حرف إلا و له ظهر و بطن، و إنَّ علی بن أبي طالب عنده من الظاهر و الباطن» (ثعالبی، ۱۴۱۸ ق،

ج ۱: ۵۳). بغوی برای بطن قرآن دو روایت ذکر نموده که در روایت اول سند را کامل بیان نموده: «أخبرنا أبو بكر بن أبي الهيثم الترابي أنا الحاكم أبو الفضل الحدادي أنا أبو يزيد محمد بن يحيى أنا إسماعيل بن إبراهيم الحنظلي، ثنا جرير بن عبد الحميد عن المغيرة عن واصل بن حيان، عن ابن [أبي] الهذيل عن أبي الأحوص عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه: عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ الْقُرْآنَ أُنزِلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ، لِكُلِّ آيَةٍ مِنْهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ وَ لِكُلِّ حَدِّ مُطْلَعٍ» (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۶۸-۶۹). این روایت در تفاسیر دیگر به نقل از ابن مسعود اکتفا شده است (مظهری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۰؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۷۴).

سیوطی و ذهبی در روایت ذیل دال بر بطن قرآن، نقدی بر آن وارد نکرده‌اند: «ما أخرجہ ابن أبي حاتم، من طريق الضحاك، عن ابن عباس قال: إن القرآن ذوشجون و فنون، و ظهور و بطون، لاتنقضى — عجائبه، و لاتبلغ غايته، ... فظهره التلاوة، و بطنه التأويل، فجالسوا به العلماء و جانبوا به السفهاء» (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۶۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۸؛ میدی، ۱۳۷۱، ش، ج ۱: ۷۳۱؛ ذهبی، بی تا، ج ۲: ۳۵۴). طبق این حدیث، قرآن دارای شاخه‌های انبوه و فراوانی است و ظهرها و بطن‌هایی است که عجایب آن پایان‌ناپذیر است و به نهایت آن نمی‌توان رسید... ظهر قرآن تلاوت و بطن آن تأویل نامیده شده که برای دستیابی به آن باید با علما هم‌نشینی نمود و از سفیهان دوری کرد. ذهبی با نقل روایتی، به علم حضرت علی (ع) به ظاهر و باطن قرآن اشاره نموده و ایشان را صدر مفسرین دانسته است: «أخرج أبو نعیم فی الحلیة عن ابن مسعود قال: «إِنَّ الْقُرْآنَ أُنزِلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ، مَا مِنْهَا حَرْفٌ، إِلَّا وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ، وَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَهُ مِنْهُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ» (ذهبی، بی تا، ج ۱: ۹۰). این روایت که به ظهر و بطن قرآن نیز اشاره نموده است، به هفت بطن و معنای قرآن اشاره دارد (مؤدب، ۱۳۷۸: ۶۲). سیوطی در حدیثی از عبدالله بن مسعود آورده که هر کسی تمام علوم را می‌خواهد باید در قرآن جستجو کند که بیانگر معانی باطنی در ورای معنای ظاهری است: «قال ابن مسعود: من أراد علم الأولین و الآخرین فليثور القرآن» (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۶۰؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۳؛ سوراآبادی، ۱۳۸۰، ش، ج ۳: ۲۱۶۱؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳؛ ایبیری، ۱۴۰۵، ج ۹: ۲۷). برخی مفسران اهل سنت این حدیث را از پیامبر اکرم (ص) نقل نموده‌اند (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۲۳؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۶). بسیاری از مفسران

اهل سنت «ظهر» را لفظ و تلاوت قرآن، و «بطن» را تأویل قرآن معنا نموده‌اند (آل‌غازی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱: ۴۰؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۹؛ خازن بغدادی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۱؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۲۵۷؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۲۵). باتوجه به این که قرآن در قلب الفاظ واحد، بر یک حرف به صورت تدریجی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است و کاتبان همزمان با نزول قرآن و بعد از آن تنها با قرائت پیامبر اکرم (ص) به جمع‌آوری و کتابت قرآن پرداخته‌اند، دلالت بر قرائت واحد دارد و اگر قرائت‌های دیگر نیز آسمانی بود، پیامبر اکرم (ص) اقدام به تدوین و بیان موارد اختلافی می‌نمودند (مؤدب، ۱۳۷۸ ش: ۳۳). البته پیامبر اکرم (ص) نزول قرآن بر سبعة معانی را قطعاً فرموده‌اند و قرآن قطعاً دارای مراتبی از معناست که عده‌ای برای توجیه قرائت‌های مختلف، آن را بر الفاظ تحریف نموده‌اند (مؤدب، ۱۳۷۸ ش: ۲۶۴-۲۶۳)؛ بنابراین روایات دال بر بطن و تأویل قرآن از روایان مختلف در کتب روایی اهل سنت وارد شده است که دلیلی بر رد دیدگاه ابن تیمیه است.

روایات بطن و تأویل منقول از شیعه: در کتب روایی شیعه، روایات «أحرف سبعة»

دلالت بر تعدد بطون قرآن دارد و اختلاف بین قرائت‌های مختلف از ناحیه روایان است درحالی که قرآن واحد است و به یک قرائت نازل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۲: ۱۶۹)؛ هم‌چنان که کلینی در روایتی از امام صادق (ع) چنین آورده است: «الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ جَبْرِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَ لَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ بِيحْيَى مِنْ قَبْلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۶۳۰). در حدیث دیگری از امام صادق (ع) چنین آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ بِيْ عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُدَيْنَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرُفٍ فَقَالَ كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ» (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۴۷)؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۶۸). مشابه این حدیث که دلالت بر قرائت واحد دارد، از طریق زراره از ابی جعفر (ع) نقل شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷: ۱۹۷)؛ بنابراین روایات بطن قرآن که بر تعدد بطون دلالت دارند، می‌توانند تأییدی باشند بر این که روایات «سبعة أحرف» دلالت بر تعدد بطن قرآن دارند، از جمله: «أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبُرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ شُرَيْسِ الْوَالِيشِيِّ - عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ

شَيْءٍ مِنَ التَّفْسِيرِ فَأَجَابَنِي ثُمَّ سَأَلْتُهُ عَنْهُ ثَانِيَةً فَأَجَابَنِي بِجَوَابٍ آخَرَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ كُنْتَ أَجَبْتَنِي فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ بِجَوَابٍ غَيْرِ هَذَا قَبْلَ الْيَوْمِ فَقَالَ يَا جَارِ إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنًا وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ يَا جَارِ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ...» (برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۲: ۳۰۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷: ۱۹۲). این روایات بیانگر این مطلب است که روایات دال بر حصر فهم بطون قرآن، در مواردی دلالت بر آن دسته از بطونی دارد که از درک عموم خارج است؛ مانند حروف مقطعه و در مواردی دلالت بر توانایی فهم دقیق و خطاناپذیر معصومین (ع) از بطون قرآن دارد؛ به طوری که بیان مراد حقیقی خداوند متعال برای آنان ممکن است؛ اما غیر معصومین نمی‌توانند ادعای فهم تمام بطون آیات قرآن را داشته باشند؛ هم‌چنان که روایاتی نیز به این مطلب اشاره دارند، از جمله: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَتَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْمُتَخَلِّعِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّيْ أَنْ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَ بَاطِنِهِ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۲۲۸؛ صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۳۲).

در روایت دیگری امام علی (ع) کلام خدا را سه قسم دانستند که قسمی از آن برای تمام مردم اعم از عالم و جاهل قابل فهم است، قسمی از آن برای کسانی که حس لطیف و صفای باطن دارند، قابل درک است و قسم دیگر آن را جز خدا و فرشتگان و راسخان در علم نمی‌دانند. ذیل حدیثی از امام علی (ع) چنین آمده است: «قَسَمَ - كَلِمَةً ثَلَاثَةً أَقْسَامٍ فَجَعَلَ قِسْمًا مِنْهُ يَعْرِفُهُ الْعَالِمُ وَ الْجَاهِلُ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا مَنْ صَفَا ذَهْنُهُ وَ لَطَّفَ حِسَّهُ وَ صَحَّ تَمْيِيزُهُ مِمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ قِسْمًا لَا يَعْرِفُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ أَمَنَّاؤُهُ الرَّاكِعُونَ فِي الْعِلْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۰: ۱۲۰؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۹۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۲۵۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷: ۱۹۴). این قبیل روایات بیانگر این است که بخشی از معارف قرآن برای غیر معصومین نیز قابل درک است و مراتب نهایی و تمام حقایق قرآن را تنها معصومین می‌دانند. بحرانی در کتاب «البرهان» روایات فراوانی را در تأیید نظریه خود در باب بطون قرآن آورده است. نظر این مفسر بر این است که تفسیر ظاهری قرآن و روایاتی که به شرح و بسط ظاهر آیات می‌پردازند، به تنهایی نمی‌توانند در فهم آیات و رسیدن به مقاصد الهی کفایت نمایند، بلکه در فهم حقیقی آیات باید به روایات دال بر تأویل و باطن قرآن نیز مراجعه نمود تا معنای حقیقی آیات روشن شود (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۴۴-۴۷).

در مصادر روایی و تفسیری شیعه «تأویل» به معنای باطن قرآن است و مراد از آن در مواردی، مصادیق دیگر در زمان‌های بعد است؛ هم‌چنان که در حدیثی از فضیل بن یسار از امام صادق (ع) چنین آمده است: «قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن هذه الرواية ما في القرآن آيةٌ إلا و لها ظهر و بطن و ما فيه حرفٌ إلا و له حد و لكل حد مطلع ما يعنى بقوله لها ظهر و بطن، قال: ظهره تنزيلة و بطنه تأويله منه ما مضى و منه ما لم يكن بعد يجرى كما يجرى الشمس و القمر كما جاء منه شيء وقع...» (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۹۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۱۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۴۶). مجلسی این روایت را به نقل از بصائر الدرجات آورده (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹: ۹۷) و در تفاسیر شیعه به نقل از عیاشی بیان شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۹؛ بروجردی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۴۱؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۶۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۷۲). مشابه این روایت در برخی تفاسیر اهل سنت نیز وارد شده است (آل‌غازی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱: ۴۰؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۲۵؛ خازن بغدادی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۱۱؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۲۵۷). در منابع روایی و تفسیری شیعه هم‌چنین آمده است: «روی جعفر بن محمد بن مسعود عن أبيه عن أبي عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام عن أبيه عن آبائه عليه السلام قال: قال رسول الله (ص)...: و له ظهر و بطن، فظاهره حكمة و باطنه علم، ظاهره أنيق و باطنه عميق» (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲-۳). کلینی این روایت را از طریق سگونی نقل نموده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۵۹۹-۵۹۸). این روایت در تفاسیر دیگر به نقل از عیاشی و کافی بیان شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۱۴-۱۵؛ طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱: ۲۱؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۴: ۱۵۱-۱۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۱۵؛ بروجردی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۴۳؛ مشهدی قمی، ۱۳۶۸ ش، ج ۹: ۳۹۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳: ۷۲). این روایت در برخی تفاسیر نیز به نقل از امام علی (ع) (نهج البلاغه، خطبه ۱۸) آمده است (شیخ مفید، ۱۴۲۴ ق: ۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۴: ۳۷۲؛ آملی، ۱۴۲۲ ق، مقدمه: ۱۸) و در کتب روایی چنین بیان شده است: «إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَنْيَقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَقْنِي جَنَائِبُهُ وَ لَا تَنْقِضِي - غَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۳۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۲۸۴). طبق این روایت، قرآن با ظاهری شگفت‌انگیز و باطنی عمیق، عجائش پایان‌ناپذیر است و ظلمات تنها از طریق قرآن برطرف می‌شوند. روایات متعددی که

در مورد بطن و تأویل قرآن بیان شده، دلالت بر وجود باطنی قرآن دارد و باطن در تمامی روایات دارای معنای و رای معنای ظاهری است که به وسیله تدبر و تفکر می‌توان به آن دست یافت. روایات بطن قرآن، بیانگر توجه و اهتمام معصومین به بطن قرآن است و دلالت بر این دارد که بطون قرآن شامل همه آیات است، اگرچه دریافت باطنی تمام آیات برای همه افراد امر آسانی نیست؛ بنابراین اصل اشتغال آیات قرآن بر مفاهیم ظاهری و باطنی، امری آشکار و پذیرفته شده نزد همگان است، و روایت ظاهر و باطن هم از طریق شیعه و هم اهل سنت بیان شده است. طبق این روایات، مراد از «بطن» در مواردی جری و تطبیق است و در مواردی معانی نهفته و رای معنای ظاهری است که گاهی دارای مراتب طولی است. به نظر می‌رسد انتقاد ابن تیمیه به روایت بطن و تأویل، جهت تثبیت آرای ظاهرگرایی وی است تا با انکار لایه‌های معنایی قرآن و تأویل‌گرایی مذاهب دیگر، از دیدگاه کلامی سلفیه دفاع نماید، درحالی که دیدگاه تفسیری و روایی فریقین خلاف این ادعا را ثابت نموده است.

نتیجه

با توجه به انتقاد ابن تیمیه بر تأویلات شیعه و ادعای وی مبنی بر جعلی دانستن روایات بطن و تأویل منقول از شیعیان در خصوص تأویل برخی آیات بر اهل بیت (ع) و دوستان و دشمنان ایشان، بررسی مفهوم‌شناسی بطن و تأویل و تبیین و نقد دیدگاه ابن تیمیه و بررسی روایات فریقین پاسخگوی شبهات است. روایات بسیاری در مورد تأویل قرآن، از شیعه و اهل سنت حاکی از این است که قرآن دارای ظاهر و باطن است، ظاهر قرآن برای هر کسی که با زبان عربی آشنایی دارد، قابل فهم است و باطن قرآن، فهم عمیق معارف آن است که دارای مراتب فهم و لایه‌های متفاوتی است که نیاز به توجه به عمق معارف دارد و برای هر کسی قابل دستیابی نیست و متناسب با هر زمانی می‌توان به معنای جدیدی دست یافت.

جاودانگی و جامعیت قرآن اقتضا می‌کند که آیات قرآن مختص به مورد نزول نباشد، بلکه قابل انطباق بر موارد و مصادیقی باشد که دارای ملاک و خصوصیات مشابه است. آیات دال بر تفکر، تدبیر، تبیان بودن قرآن، و روایات بطن و تأویل بیانگر این مطلب است. «تأویل» به معنای ارجاع و بازگرداندن به حقیقت و اصل شیء، مفهوم جامعی است که مصادیق مختلفی دارد، در مواردی در عرض هم و در مواردی در طول هم هستند. مراد از «بطن» نیز طبق روایات وارده، هم مصادیقی است که در طول زمان برای آیات پدید آمده و هم معانی نهفته و رازی معنای ظاهری است که در مواردی در طول هم قرار دارند. به نظر می‌رسد بطن و تأویل از نظر شیعه دست کم در برخی کاربردها معنای مشابهی دارند، اگرچه در مواردی تأویل معنایی وسیع‌تر از بطن را دارد؛ هم‌چنان که به معنای توجیه آیات متشابه به کار می‌رود.

توجه به معنای باطنی قرآن از همان عصر نزول مطرح بوده است و پیامبر اکرم (ص) بر افراد خاصی که زمینه پذیرش آن را داشتند، بیان نمودند. اطلاق روایات فریقین درباره بطن آیات بیانگر این است که تمام آیات قرآن دارای بطن هستند و شایستگی فهم بطن آیات در تمام مراتب آن در انحصار پیامبر خدا (ص) و اهل بیت (ع) است و در مراتب پایین‌تر برای دیگران براساس فهم و ظرفیت مخاطب قابل فهم است. بنابراین ادعای ابن تیمیه در نفی روایات بطن و تأویل باطل است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
نهج البلاغه. (۱۳۸۸ ش). ترجمه حسین انصاریان. چاپ اول. قم: دارالعرفان،
 آل‌سعدي، عبدالرحمن بن ناصر. (۱۴۰۸ ق). **تيسير الكريم الرحمن**. چاپ دوم. بيروت:
 مكتبة النهضة العربية.
 آل‌غازی، ملاحويش عبدالقادر. (۱۳۸۲ ق). **بيان المعاني**. چاپ اول. دمشق: مطبعة
 الترقى،
 آلوسی، سيد محمود. (۱۴۱۵ ق). **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم**. چاپ اول. بيروت:
 دارالكتب العلمية،
 آملی، سيدحيدر. (۱۴۲۲ ق). **تفسير المحيط الاعظم و البحر الخضم**. چاپ سوم. تهران:
 سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي.
 ابن‌بابويه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ ق). **عيون أخبار الرضا عليه السلام**. چاپ اول. تهران:
 نشر جهان.
 _____ . (۱۴۱۳ ق). **من لا يحضره الفقيه**. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات
 اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ابن‌تیمیه حرانی، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۱۵ ق). **بغية المراتد في الرد على المتسلفه و
 القرامطة و الباطنية**. چاپ سوم. المدينة المنورة: مكتبة العلوم و الحكم.
 _____ . (۱۴۰۸ ق). **التسير الكبير**. بيروت: دارالكتب العلمية.
 _____ . (۱۴۱۶ ق). **مجموع الفتاوى**. چاپ اول. المدينة النبوية: مجمع
 الملك فهد للطباعة المصحف الشريف.
 _____ . (۱۴۰۴ ق). **دقائق التفسير الجامع لتفسير ابن‌تيميه**. چاپ دوم.
 دمشق: موسسه علم القرآن.
 _____ . (۱۴۰۶ ق). **منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية**.
 چاپ اول. بی‌جا: جامعه الإمام محمد بن سعود الاسلاميه.
 _____ . (۱۴۰۵ ق). **موافقة صحيح المنقول لصريح المعقول**. بيروت:
 دارالكتب العلمية.
 ابن‌حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ ق). **مسند**. چاپ اول. لبنان: مؤسسة الرسالة.
 ابن‌عاشور، محمد بن طاهر. (۱۴۲۰ ق). **التحرير و التنوير**. چاپ اول. بيروت: مؤسسة
 التاريخ العربي.
 ابن‌عجيبه، احمد بن محمد. (۱۴۱۹ ق). **البحر المديد في تفسير القرآن المجيد**. چاپ اول.
 قاهره: دكتور حسن عباس زكى.
 ابن‌كثير دمشقي، اسماعيل بن عمر. (۱۴۱۹ ق). **تفسير القرآن العظيم**. چاپ اول. بيروت:
 دارالكتب العلمية-منشورات محمد علي بيضون.
 ابن‌منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. چاپ سوم. بيروت: دار صادر.
 _____ . (۱۴۱۵ ق). **مختصر تاريخ دمشق لابن عساكر**. چاپ اول.
 بيروت: دار الفكر.
 ابيار، ابراهيم. (۱۴۰۵ ق). **الموسوعة القرآنية**. چاپ اول. بی‌جا: مؤسسه سجل العرب.
 ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ ق). **تهذيب اللغة**. چاپ اول. بيروت: دار إحياء التراث
 العربي.

- اشعری، ابی الحسن علی بن ابی بشر. (۱۴۰۰ ق). **مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین**. چاپ سوم. آلمان: دارالنشر فرانز شتاينر.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ ق). **البحر المحیط فی التفسیر**. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.
- اندلسی، عبدالحق بن غالب بن عطیه. (۱۴۲۲ ق). **المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز**. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه. اول.
- بحرانی، سیده اشتم. (۱۴۱۶ ق). **البرهان فی تفسیر القرآن**. تهران: بنیاد بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ ق). **صحیح البخاری**. چاپ دوم. مصر: وزارة الاوقاف المجلس الأعلى للشئون الإسلامیة لجنة إحياء كتب السنة.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ ق). **المحاسن**. چاپ دوم. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- بروجردی، سیدحسین. (۱۴۱۶ ق). **تفسیر الصراط المستقیم**. چاپ اول. قم: مؤسسه انصاریان.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق). **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ ق). **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله. (۱۴۲۳ ق). **تفسیر القرآن العظیم**. چاپ اول. بیروت: محمد علی بیضون دارالکتب العلمیه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ ق). **غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)**. چاپ دوم. قم: دارالکتب الإسلامی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ ق). **الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن**. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ ق). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جرجانی، میر سید شریف. (۱۴۱۲ ق). **التعريفات**. چاپ چهارم. تهران: ناصر خسرو.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳ ش). **تفسیر اثنا عشری**. چاپ اول. تهران: انتشارات میقات.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۴ ق). **تقریب القرآن الی الاذهان**. چاپ اول. بیروت: دارالعلوم.
- حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). **تفسیر روح البیان**. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.
- خازن بغدادی، عبدالقاهر. (۱۴۰۸ ق). **الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم**. ب چاپ اول. بیروت: دار الجیل-دار الأفاق.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ ق). **أعلام الدین فی صفات المؤمنین**. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- ذهبی، محمد حسین. (بی تا). **التفسیر و المفسرون**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). **المفردات فی غریب القرآن**. چاپ اول. دمشق: دار العلم الشامیة.

- زرکشى، محمدبن عبدالله. (۱۴۱۰ ق). **البرهان فى علوم القرآن**. چاپ اول. بيروت: دارالمعرفة.
- سبزوارى نجفى، محمدبن حبيب الله. (۱۴۱۹ ق). **ارشاد الأذهان الى تفسير القرآن**. چاپ اول. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- _____ . (۱۴۰۶ ق). **الجديد فى تفسير القرآن المجيد**. چاپ اول. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سمرقندى، نصرين محمدبن احمد. (۱۴۱۶ ق). **بحر العلوم**. چاپ اول. بيروت: دارالفكر.
- سورآبادى، ابوبكر عتيق بن محمد. (۱۳۸۰ ش). **تفسير سورآبادى**. چاپ اول. تهران: فرهنگ نشر نو.
- سيوطى، جلال الدين. (۱۴۲۱ ق). **الإتقان فى علوم القرآن**. چاپ دوم. بيروت: دارالكتاب العربى.
- شيبانى، محمدبن حسن. (۱۴۱۳ ق). **نهج البيان عن كشف معانى القرآن**. چاپ اول. تهران: بنياد دايرةالمعارف اسلامى.
- شيخ مفيد، محمدبن محمد. (۱۴۲۴ ق). **تفسير القرآن المجيد**. قم: دفتر انتشارات دفتر تبليغات اسلامى.
- صادقى تهرانى، محمد. (۱۴۱۹ ق). **البلاغ فى تفسير القرآن بالقرآن**. ج ۱۶. چاپ اول. قم: مؤلف.
- صفار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴ ق). **بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلى الله عليهم**. چاپ دوم. قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى.
- طالقانى، سيد محمود. (۱۳۶۲ ش). **پرتوى از قرآن**. چاپ چهارم. تهران: شركت سهامى انتشار.
- طباطبايى، سيد محمد حسين. (۱۴۱۷ ق). **الميزان فى تفسير القرآن**. چاپ پمجم. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین.
- طبرسى، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). **تفسير جوامع الجامع**. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مديريت حوزه علميه قم.
- طبرسى، احمد بن على. (۱۴۰۳ ق). **الإحتجاج على أهل اللجاج**. چاپ اول. مشهد: نشر مرتضى.
- طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير. (۱۴۱۲ ق). **جامع البيان عن تأويل آى القرآن**. چاپ اول. بيروت: دارالمعرفة.
- طريحي، فخر الدين. (۱۳۷۵ ش). **مجمع البحرين**. چاپ سوم. تهران: كتابفروشى مرتضى. طنطاوى، محمد. (۱۹۹۷ م). **التفسير الوسيط للقرآن الكريم**. چاپ اول. قاهره: نهضة مصر.
- طوسى، محمدبن حسن. (بى تا). **التبيان فى تفسير القرآن**. چاپ اول. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- عروسى حوزى، عبدعلى بن جمعه. (۱۴۱۵ ق). **تفسير نورالثقلين**. چاپ چهارم. قم: انتشارات اسماعيليان.
- علوى مهر، حسين. (۱۳۸۴). **آشنايى با تاريخ تفسير و مفسران**. چاپ اول. قم: مركز جهانى علوم اسلامى.
- عياشى، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ ق). **كتاب التفسير**. چاپ اول. تهران: چاپخانه علميه.

- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). **مفاتیح الغیب**. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق). **العین**. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ ق). **تفسیر الصافی**. چاپ دوم. تهران: انتشارات الصدر.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). **المصباح المنیر**. چاپ دوم. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ ق). **محاسن التأویل**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). **الکافی**. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ ق). **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- محلّی، جلال الدین؛ سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۶ ق). **تفسیر الجلالین**. چاپ اول. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- مدرسی، سید محمدتقی. (۱۴۱۹ ق). **من هدی القرآن**. چاپ اول. تهران: دار محبّی الحسین.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). **تفسیر المراغی**. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مشهدی قمی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸ ش). **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- مظهری، محمدتشاء الله. (۱۴۱۲ ق). **التفسیر المظهری**. چاپ اول. پاکستان: مکتبه رشدیة.
- معرفت، محمد هادی. (۱۴۲۷ ق). **التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء**. چاپ اول. تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامیه. المعاونة الثقافية مركز التحقيقات و الدراسات العلمیه.
- _____ (۱۴۱۸ ق). **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب**. چاپ اول. مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الإسلامیه.
- مؤدب، سید رضا. (۱۳۷۸). **نزول قرآن و رؤیای هفت حرف**. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مغنیة، محمدجواد. (۱۴۲۴ ق). **تفسیر الکاشف**. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- منصوری، ذبیح الله. (۱۳۸۴). **مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق (علیه السلام)**. تهران: بدرقه جاویدان.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۰۹ ق). **مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن**. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه اهل بیت.
- میبدی، رشید الدین احمد بن سعد. (۱۳۷۱ ش). **کشف الأسرار و عدة الأبرار**. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نسفی، ابوحفص نجم الدین محمد. (۱۳۶۷). **تفسیر نسفی**. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- نوی جاوی، محمد بن عمر. (۱۴۱۷ ق). **مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید**. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.

نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد. (۱۴۱۶ ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۰۵ ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی. چاپ اول. قم: الهادی.

Sources

- 1) Holy Quran. Translated by Naser Makarem Shirazi.
- 2) Nahj al-Balagha. (1388). Translated by Hossein Ansarian. First Edition. Qom: Dar al-Irfan,
- 3) Al-Saadi, Abd al-Rahman bin Nasser. (1408 AH). Taysir al-Karim Rahman. second edition. Beirut: Al-Nahda Al-Arabiya School.
- 4) Al-Ghazi, Malahavish Abdul Qadir. (1382 AH). Expression of meanings. First Edition. Damascus: Al-Tarqi Press,
- 5) Alousi, Seyed Mahmoud. (1415 AH). The spirit of meanings in the interpretation of the great Qur'an. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya,
- 6) Ameli, Seyed Haider. (1422 AH). Commentary on Muhait al-Azam and Bahr al-Khudzm. Third edition. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- 7) Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali. (1378 AH). Ayun Akhbar al-Reza, peace be upon him. First Edition. Tehran: Nashr Jahan.
- 8) _____ (1413 AH). I do not want Hazra Al-Faqih. second edition. Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Society.
- 9) Ibn Taymiyyah Harrani, Ahmad bin Abdul Halim. (1415 AH). Other than the apostate in the response to Ali al-Mutafsalfa, al-Qaramta and al-Bataniyyah. Third edition. Al-Madinah Al-Munawarah: School of Science and Al-Hakm.
- 10) _____. (1408 AH). Tasir al-Kabir Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- 11) _____. (1416 AH). Total Fatawi. First Edition. Al-Madinah al-Nabawiyyah: Majmam al-Mulk Fahd for the publication of al-Musaf al-Sharif.
- 12) _____. (1404 AH). Minutes of Al-Tafsir al-Jama' for Ibn Taymiyyah's Tafsir. second edition. Damascus: Al-Qur'an Institute.
- 13) _____. (1406 AH). Minhaj Sunnah al-Nabawiyyah in violation of Al-Qadriyyah Shia's word. First Edition. Bijam: Imam Muhammad bin Saud al-Islamiyya community.
- 14) _____. (1405 AH). The consent of Sahih al-Mukun for the express and reasonable. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.

- 15) Ibn Hanbal, Ahmad Ibn Muhammad. (1416 AH). Musnad First Edition. Lebanon: Al-Risalah Foundation.
- 16) Ibn Ashur, Muhammad Bin Tahir. (1420 AD). Tahrir and al-Tanvir. First Edition. Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Foundation.
- 17) Ibn Ajibah, Ahmad Ibn Muhammad. (1419 AH). Al-Bahr Al-Madid in Tafsir al-Qur'an al-Majid. First Edition. Cairo: Dr. Hassan Abbas Zaki.
- 18) Ibn Kathir Damascus, Ismail Ibn Omar. (1419 AH). Tafsir of the Great Qur'an. First Edition. Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya-Mansurat Mohammad Ali Beizun.
- 19) Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1414 AH). Arabic language Third edition. Beirut: Dar Sader.
- 20) _____ .(1415 AH). A brief history of Damascus by Ibn Asaker. First Edition. Beirut: Dar al-Fekr.
- 21) Abiari, Ibrahim (1405 AD). The Qur'anic encyclopedia. First edition. Unplaced: Sajal al-Arab Institute.
- 22) Azhari, Mohammad bin Ahmed. (1421 AH). refinement of the language First Edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 23) Ash'ari, Abi al-Hassan Ali ibn Abi Bashir. (1400 AD). Essays of the Muslims and the difference between the Muslims. Third edition. Germany: Franz Steiner Publishing House.
- 24) Andalusi, Abuhian Muhammad bin Youssef. (1420 AD). Al-Bahr al-Muhayt in al-Tafseer. First Edition. Beirut: Dar al-Fakr.
- 25) Andalusi, Abdul Haq bin Ghalib bin Atiyah. (1422 AH). Muhrar al-Awaziz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. First.
- 26) Bahrani, Seide Ash. (1416 AH). Al-Barhan in Tafsir al-Qur'an. Tehran: Baath Foundation.
- 27) Bukhari, Muhammad bin Ismail. (1410 AH). Sahih al-Bukhari. second edition. Egypt: Ministry of Endowments, Majlis Al-Ali for Islamic Affairs, Committee for Revival of Sunnah Books.
- 28) Barqi, Ahmad bin Mohammad bin Khaled. (1371 AH). Al-Mahasen second edition. Qom: Darul Kitab al-Islamiya.
- 29) Boroujerdi, Seyyed Hossein. (1416 AH). Tafsir al-Sarat al-Mustaqim. First Edition. Qom: Ansarian Institute.
- 30) Baghvi, Hossein bin Masoud. (1420 AD). Maalam al-Tanzil in Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 31) Beidawi, Abdullah bin Omar. (1418 AH). Anwar al-Tanzil and secrets of interpretation. First Edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.

- 32) Testari, Abu Muhammad Sahl bin Abdullah. (1423 AH). Tafsir of the Great Qur'an. First Edition. Beirut: Mohammad Ali Bizoun Dar al-Kitab al-Alamiya.
- 33) Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad. (1410 AH). Gharral al-Hakm wa Darr al-Kalam (My collection of words and rulings of Imam Ali, peace be upon him). second edition. Qom: Islamic Library.
- 34) Thaalabi, Abd al-Rahman bin Mohammad. (1418 AH). Al-Jawahir al-Hasan fi Tafsir al-Qur'an. First Edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 35) Thaalbi Neishabouri, Abu Ishaq Ahmed bin Ibrahim. (1422 AH). Al-Kashf and Al-Bayan on Tafsir al-Qur'an. First Edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 36) Jurjani, Mirsydsharif. (1412 AH). Definitions. fourth edition. Tehran: Nasser Khosrow.
- 37) Haramali, Mohammad bin Hasan. (1409 AH). Detailing the means of Shia to the study of Shari'a issues. First Edition. Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon them.
- 38) Hosseini Shah Abdul Azimi, Hossein bin Ahmad. (1363). Tafsir Ashanashri. First Edition. Tehran: Miqat Publications.
- 39) Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad. (1424 AH). The approximation of the Qur'an to the mind. First Edition. Beirut: Darul Uloom.
- 40) Haghi Brosavi, Ismail. (Beta). Tafsir of Ruh al-Bayan. First Edition. Beirut: Dar al-Fekr.
- 41) Khazen-Baghdadi, Abdul Qahir. (1408 AH). The difference between Al-Farq and the statement of the Najiya bandh. B. First edition. Yerut: Dar al-Jil-Dar al-Afaq.
- 42) Daylami, Hassan bin Muhammad. (1408 AH). Alam al-Din in the attributes of the believers. First Edition. Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him.
- 43) Dhahabi, Mohammad Hossein. (Beta). Al-Tafseer and Al-Mufsarun. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 44) Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1412 AH). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an. First Edition. Damascus: Dar al-Alam al-Shamiya.
- 45) Zarakshi, Mohammad bin Abdullah. (1410 AH). Al-Barhan in the sciences of the Qur'an. First Edition. Beirut: Dar al-Maramah.

- 46) Sabzevari Najafi, Mohammad Bin Habibullah. (1419 AH). Irshad al-Ahan to Tafsir al-Qur'an. First Edition. Beirut: Dar al-Taarif for Press.
- 47) _____.(1406 AH). Al-Jadid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid. First Edition. Beirut: Dar al-Taarif for Press.
- 48) Samarkandi, Nasr bin Mohammad bin Ahmed. (1416 AH). Bahrul Uloom First Edition. Beirut: Dar al-Fekr.
- 49) Sourabadi, Abu Bakr Atiq bin Mohammad. (1380). Tafsir Surabadi. First Edition. Tehran: New Publishing House.
- 50) Siyuti, Jalaluddin. (1421 AH). Proficiency in the sciences of the Qur'an. second edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- 51) Shibani, Mohammad Bin Hasan. (1413 AH). Nahj al-Bayan on the discovery of the meanings of the Qur'an. First Edition. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation.
- 52) Sheikh Mufid, Mohammad bin Mohammad. (1424 AH). Tafsir of the Qur'an al-Majid. Qom: Islamic Propaganda Office Publications Office.
- 53) Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1419 AH). Al-Balagh fi Tafsir al-Qur'an with the Qur'an. Volume 16. First edition. Qom: Author.
- 54) Safar, Mohammad bin Hasan. (1404 AH). Basair al-Darjafi Fadzael of the family of Muhammad, may God bless him and grant him peace. second edition. Qom: School of Ayatollah al-Marashi al-Najafi.
- 55) Taleghani, Seyed Mahmoud. (1362 AD). A ray of the Qur'an. fourth edition. Tehran: Publishing Company.
- 56) Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (1417 AH). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Pajam printing. Qom: Islamic publishing office affiliated with the community of teachers.
- 57) Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1377). Tafsir of Jameed al-Jamae. First Edition. Tehran: Tehran University Press and Qom Seminary Management.
- 58) Tabarsi, Ahmad bin Ali. (1403 AH). Protest against Ahl al-Jajj. First Edition. Mashhad: Morteza Publishing.
- 59) Tabari, Abu Jafar Muhammad bin Jarir. (1412 AH). Jami al-Bayan on the interpretation of Ai al-Qur'an. First Edition. Beirut: Dar al-Marafa.
- 60) Tarihi, Fakhreddin. (1375). Assembly of Bahrain. Third edition. Tehran: Mortazavi bookstore.
- 61) Tantawi, Mohammad. (1997 AD). Al-Tafseer Al-Wasit for the Holy Qur'an. First Edition. Cairo: Nahda Misr.

- 62) Tusi, Mohammad bin Hasan. (Beta). Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an. First Edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 63) Hawizi's wedding, Abd Ali bin Jumma. (1415 AH). Tafsir Noor al-Saqlain. fourth edition. Qom: Ismailian Publications.
- 64) Alavimehr, Hossein. (1384). Getting to know the history of interpretation and commentators. First Edition. Qom: World Center of Islamic Sciences.
- 65) Ayashi, Mohammad Bin Masoud. (1380 AD). Book of interpretation. First Edition. Tehran: Ilmia Printing House.
- 66) Fakhrazi, Muhammad bin Omar. (1420 AD). Mofatih al-Ghaib. Third edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 67) Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1410 AH). Al Ain second edition. Qom: Hijrat Publications.
- 68) Faiz Kashani, Hilmasan. (1415 AH). Tafsir al-Safi. second edition. Tehran: Sadr Publications.
- 69) Fayoumi, Ahmad bin Mohammad. (1414 AH). Al-Masbah Al-Munir second edition. Qom: Dar al-Hajra Institute.
- 70) Ghasemi, Mohammad Jamaluddin. (1418 AH). Merits of interpretation. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- 71) Kilini, Mohammad bin Yaqub. (1407 AH). Al-Kafi fourth edition. Tehran: Islamic Library.
- 72) Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi. (1403 AH). Bihar al-Anwar al-Jamaa Lederer Akhbar al-Imam al-Athar. second edition. Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi.
- 73) _____ . (1404 AH). The mirror of the intellect in the description of the news of the Prophet. second edition. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- 74) Mahali, Jalaluddin; Siyuti, Jalaluddin. (1416 AH). Tafsir al-Jalalin. First Edition. Beirut: Al Noor Press Institute.
- 75) Madrasi, Seyyed Mohammad Taghi. (1419 AH). I am the guide of the Qur'an. First Edition. Tehran: Dar Mohibi Al-Hussein.
- 76) Maraghi, Ahmad bin Mostafi. (Beta). Tafsir al-Maraghi. First Edition. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- 77) Mashhadi Qomi, Mohammad Bin Mohammad Reza. (1368). Tafsir of Kenz al-Daqaq and Bahr al-Gharaib. First Edition. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- 78) Mazhari, Mohammad Sanaullah. (1412 AH). Al-Tafsir al-Ahnathani. First Edition. Pakistan: Rushdie school.

- 79) Marafet, Mohammad Hadi. (1427 AH). Ta'awil in different religions and opinions. First Edition. Tehran: Al-Majma Al-Alami for rapprochement between Islamic religions. Al-Ma'awniyya Al-Thaqafi, Center for Scientific Research and Studies.
- 80) _____ . (1418 AH). Al-Tafseer and Al-Mufsarun in Thawba al-Qashib. First Edition. Mashhad: Al-Razavi University of Islamic Sciences.
- 81) Moadeb, Seyyed Reza. (1378). The revelation of the Qur'an and the dream of seven letters. First Edition. Qom: Islamic Propaganda Office.
- 82) Mughnia, Mohammad Javad. (1424 AH). Tafsir al-Kashif. First Edition. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- 83) Mansouri, Zabihullah. (1384). The mastermind of the Shiite world, Imam Jafar Sadiq (peace be upon him). Tehran: Badragh Javidan.
- 84) Mousavi Sabzevari, Seyyed Abdul Ali. (1409 AH). The merits of Rahman in the interpretation of the Qur'an. second edition. Beirut: Ahl al-Bayt Institute.
- 85) Meybodi, Rashid al-Din Ahmed bin Saad. (1371). Kashf al-Asrar and many secrets. Fifth Edition. Tehran: Amir Kabir Publications.
- 86) Nasfi, Abu Hafis Najmuddin Mohammad. (1367). partial interpretation First Edition. Tehran: Soroush Publications.
- 87) Nawi Jawi, Mohammad bin Omar. (1417 AH). Merah Labid Lakshef meaning of Al-Qur'an al-Majid. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- 88) Neishaburi, Nizamuddin Hasan bin Mohammad. (1416 AH). Tafsir Ghareeb Al-Qur'an and Raghaeb Al-Furqan. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- 89) Helali, Salim bin Qais. (1405 AH). The book of Salim bin Qais al-Hilali. First Edition. Qom: Al-Hadi.